

با توجه به سابقه بد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پرونده‌سازی علیه ایران آیا می‌توان به نتایج سفر گروسی امیدوار بود؟

گروکشی با گزارش صرهیونیست‌ها



مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

از پاییز گذشته آژانس نقش فعال تری در فشار حداکثری ایفا کرد و به‌عنوان ابزاری در دست ایالات متحده برای نابودی برنامه و فشار به ایران استفاده شد. نهایتاً اینکه نتیجه آن تلاش‌ها تصویب قطعنامه ضدایرانی شورای حکام در نشست قبلی بود که البته با مخالفت صریح کورهایی چون چین و روسیه مواجه شد.

چالش اصلی، فقدان وجاهت قانونی و حقوقی درخواست

آژانس است

برای توضیح صریح و خلاصه اینکه جزئیات این درخواست و مخالفت ایران چیست، باید به این سوال پاسخ داد که چرا ایران تاکنون زیر بار صدور مجوز جدید برای بازرسی‌های آژانس نرفته است؟

پاسخ به این سوال چند بخش دارد:

اول، رویه‌های حقوقی و عرفی حاکم بر سازمان‌های ناظر جهانی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این است که این نهادها الزاماً باید براساس اسناد حقوقی و اطلاعاتی که از منابع مشخص به دست آمده، تصمیم‌گیری کنند و هیچ‌کس نمی‌تواند با استناد به

چرا نباید به آژانس اعتماد کنیم؟

بخشی از نامه حسن روحانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی در مردادماه ۱۳۸۴، خطاب به محمد البرادعی، دبیر کل سابق سازمان انرژی اتمی:

در اکتبر ۲۰۰۳ [۲۹مهر ۱۳۸۲]، ایران با دولت‌های فرانسه، آلمان و انگلستان وارد توافقنامه‌ای شد. [توافقنامه سعدآباد] این انتظار صریح که فصل جدیدی را مبنی بر شفافیت کامل، همکاری و دسترسی به فناوری‌های هسته‌ای و دیگر فناوری‌های پیشرفته باز کند. ایران با برخی اقدامات مهم در زمینه شفافیت و اعتمادسازی توافق کرد و به‌فوریت و به‌طور کامل، آنها را احیا کرد:

امضا و آغاز اجرای فوری و کامل پروتکل الحاقی؛

-گشودن درهایش به‌سوی یکی از مداخله‌آمیزترین و گسترده‌ترین بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛

-فراهم آوردن مجموعه‌ای از جزئیات فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای اش که تمامی آنها در هماهنگی کامل با حقوق و تکالیفش تحت «معاهده‌ی عدم‌اشاعه-NPT» انجام گرفته بود؛

-شروع و تداوم تعلیق داوطلبانه حق قانونی خود برای غنی‌سازی اورانیوم، به‌عنوان اقدامی اعتمادساز، ظرف ۲۰ ماه گذشته

- گسترش دامنه تعلیق در فوریه [بهمن۱۳۸۲] و نوامبر ۲۰۰۴ [آذر۱۳۸۳]، در پی توافقات با سه کشور اروپایی و اتحادیه اروپا در بروکسل و پاریس، برای تحت پوشش قراردادن فعالیت‌هایی که کاملاً فراتر از تعریف اولیه آژانس از «غنی‌سازی» و حتی «فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی» بود. بازرسی‌های فراگیر آژانس از ایران، مکرراً اظهارات ایران را مبنی بر اینکه هر میزان از بازرسی و بررسی‌های موشکافانه هرگز کمتر ازحرفی به‌سوی فعالیت‌نظامی را نشان نخواهد داد، تأیید کرد. مدیرکل در بند ۵۲ گزارش نوامبر ۲۰۰۳ [آذر ۱۳۸۲] خود تأکید کرد که «تا این تاریخ، هیچ

فواد ایزدی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

هیچ تضمینی برای کوتاه آمدن آژانس پس از بازدیدهای گروسی وجود ندارد

و طرف مقابل دنبال ایجاد بهانه است و هیچ تضمینی وجود ندارد این بهانه‌ها در آینده نزدیک برطرف شود، چرا که مشکل فنی نیست، بلکه سیاسی است.»

طرف دعوای ما آژانس نیست، امریکاست

ایزدی درباره اینکه واکنش ایران باید در قبال آژانس چگونه باشد، تصریح کرد: «ایران تاکنون حالت کدج‌وگ و مریز با آژانس داشته است و از این‌رو طرف دعوای ما آژانس نیست، طرف دعوای ما آمریکا است و با توجه به اینکه مکانیسم ماشه را آمریکایی‌ها فعال می‌کنند، این نیاز به پاسخ جدی دارد.»

پاسخ ایران باید خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) باشد

این کارشناس مسائل آمریکا با بیان اینکه پاسخ جدی ما شروع پروسه خروج از NPT است، یادآور شد: «پروسه خروج از NPT کاری است که ایران باید انجام دهد و در این حالت نیازی به میزبانی از گروسی هم نیست.» وی تصریح کرد: «کار آژانس با اعضای NPT است و به همین دلیل است که رژیم صهیونیستی به‌سبب اتم دارد و آژانس با او کاری ندارد، چون آنها NPT را امضا نکرده‌اند.»

به گفته ایزدی، NPT به درد ما نخورده است، از این‌رو ایران باید پروسه خروج از این معاهده را آغاز کند تا مساله آژانس خود‌به‌خود حل شود.

علی جمشیدی و مریم عاقلی

گروه سیاسی

ساعتی پیش‌را فائل گروسی،مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وارد تهران شد تا با مقامات کشورمان در مورد مسائل و موضوعات فی‌مابین به‌گفت‌وگو بنشیند. گفت‌وگوهایی که البته مشخص است ماهیت آنها به چالش عجیب و غریب ماه‌های اخیر میان تهران و آژانس درخصوص درخواست بازدید از چند نقطه جدید در ایران بازمی‌گردد، مکان‌هایی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مدعی است فعالیت‌های گزارش نشده و آثاری از ذرات اورانیوم در آنها وجود دارد. درباره این درخواست اما واگرهای زیادی وجود دارد و به همین علت هم ایران تاکنون درخواست آژانس را اجابت نکرده و مجوز صورت گرفتن بازرسی‌های جدید را صادر نکرده است.

فرامتن ماجرا، PMD بر خلاف خواست رژیم صهیونیستی بسته شد

در سال ۲۰۱۵ و در جریان مذاکرات ایران با گروه ۵+۱ که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم به‌نوعی در آن دخیل بود یا حداقل در بخش‌هایی به‌ایفای نقش می‌پرداخت، توافقی صورت گرفت که ذیل آن پرونده PMD یا همان ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران، به‌طور کلی با گزارش نهایی یوکیا آمانو، مدیرکل وقت آژانس بسته و رسماً اعلام شد که ایران پس از سال ۲۰۰۹ میلادی هیچ‌گونه تلاش و اقدامی برای فعالیت‌های نظامی در جریان صنعت هسته‌ای خود نداشته است. در آن زمان آمانو شخصاً به تهران آمد و حتی در جریان بازدید از سایت پارچین و نمونه‌گیری‌های انجام شده از آن منطقه نیز حضور داشت و به‌صورت رسمی اعلام کرد PMD خاتمه یافته است، پرونده‌ای که سال‌ها براساس چند ادعای واهی و تعدادی فعالیت‌های جاسوسی بنا نهاده شده بود. بسته شدن PMD به‌معنای بسته شدن تمامی مسیرها برای ادعاهای بی‌اساس و کذب غربی‌ها به اضافه منافقین بود، یعنی تا پیش از بسته شدن این پرونده، در ادوار مختلف موساد، سیا، منافقین و دیگر گروه‌ها و مجموعه‌های معاند با ایران، تلاش می‌کردند با ادعاهایی واهی و کذب فعالیت‌های علمی ایران را تهدیددی برای صلح و امنیت جهانی نشان دهند و با استفاده از نفوذ خود در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کمک گرفتن از فعالیت‌های سیاسی آژانس به‌جای فعالیت‌های فنی، مبنایی برای قرار گرفتن نام ایران به‌عنوان موضوع شورای امنیت سازمان ملل فراهم کنند. از وقتی PMD بسته شد

این مسیر هم برای آنها مسدود شد و لذا تلاش گسترده‌ای را برای بازگشایی دوباره پرونده از همان روز امضای برنامه آغاز کردند، نهایتاً در اردیبهشت‌ماه ۹۷ و دقیقاً ۱۰ روز قبل از خروج ترامپ از برنامه، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس باره انداختن یک شوی تبلیغاتی مدعی شد طی عملیاتی جاسوسی در ایران، یکی از انبارهای اسناد فعالیت‌های هسته‌ای را مورد سرقت قرار داده و قریب ۵۰ هزار سند از فعالیت‌های هسته‌ای ایران مربوط به سال‌های پیش از ۲۰۰۳ به‌دست آورده و آنها را در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داده است. چندی بعد از این نمایش مضحک بود که دور جدیدی از مواجهه آژانس با ایران آغاز شد، به این معنا که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحت‌فشارهای آمریکا و ایالات متحده و دقیقاً معابر تمامی قوانین و عرف موجود، با استناد به سندهایی که معلوم نیست کجا ساخته و تهیه شده‌اند، از ایران خواست اجازه بازرسی‌های جدیدی را صادر کرده و توضیحات مسبوطی به سوالات آنها ارائه کند. ناگفته نماند همه اینها در شرایطی صورت می‌گرفت که اولاً در جریان خاتمه PMD ذکر شده بود ایران هیچ فعالیت‌نظامی هسته‌ای نداشته است و ثانیاً شدیدترین و گسترده‌ترین بازرسی‌های تاریخ آژانس پس از برنامه در ایران آغاز شده بود و عملاً امکانی برای چنین فعالیت‌هایی وجود نداشت. این توضیح مربوط به بخشی از

گفت‌وگو

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

سوءتفاهم ایران و آژانس با سفر گروسی به تهران قابل حل است

تحلیل شما از نتایج سفر گروسی چیست؟

به نظر من یک سوءتفاهم بین ایران و آژانس وجود دارد که قابل حل است، چرا که آمریکا به استناد گزارش‌های گروسی چنین اقدامی انجام نداده است و ایالات متحده صرفاً می‌خواهد ایران را وادار کند که ۱۲ شرط پمپئورا بپذیرد؛ بنابراین حدس می‌زنم در این سفر درباره دو موضوع سوءتفاهمی بین ایران و آژانس صحبت شود.

چه تضمینی وجود دارد که بعد از این بازرسی‌ها ایرادات آژانس تمام شود؟

هیچ موقع نمی‌توان گفت این زیاده‌خواهی‌ها تمام می‌شود، چرا که کار آژانس نظارت و بازرسی است؛ اما بحث این است موضوعی که پیش آمده مربوط به سال‌های قبل از ۲۰۰۳ است یعنی آنها ادعا دارند مراکزیکه مربوط به قبل از سال ۲۰۰۳ فعال بوده تاکنون هیچ مشکلی نداشته است. اما این مطلبی که مطرح می‌کنند جزئی از PMD نبوده و این دو مورد ادعای جدیدی است، لذا اگر تصور کنیم این مساله با آژانس حل شود دیگر هیچ ادعایی مطرح نمی‌شود، درست نیست؛ درواقع آژانس نه به ایران و نه به هیچ کشور دیگری چنین تضمینی نخواهد داد.

باید مراحتی‌گذرد و در تریبائاتی با ایران به توافق برسند و وقتی این ترتیبات اجرایی شد به وضعیت سفید خواهیم رسید؛ یعنی شرایطی که درحال حاضر آژانس با زاین دارد و می‌گوید مطمئن شدیم این کشور هیچ مرکز اعلام‌نشده‌ای برای فعالیت‌های خود ندارد. بنابراین من فکر می‌کنم به نفع ایران است که همکاری خود را با آژانس ادامه دهد و بهانه‌را از دست دشمنان بگیرد.

چهارم چندسالی است که پروتکل الحاقی نظارت‌های فراتر از آن

به دقت در ایران اجرا می‌شود به‌صورتی که گفته می‌شود ۷۰ تا ۸۰ درصد فعالیت‌های آژانس مربوط به بازرسی از صنعت هسته‌ای در ایران است، از این‌رو واگر قرار باشد هر بار این بازرسی‌ها به بهانه‌ای گسترده‌تر شود اساساً نقض غرض صورت گرفته و البته که زیاده‌خواهی می‌تواند تا بی‌نهایت ادامه داشته باشد.

سفر مدیرکل و بیم و امید حل یک چالش سیاسی

بعد از حدود دو سال رفت‌وآمد، مذاکره و گفت‌وگوی طرفین، اکنون و به دعوت ایران، مدیرکل جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اولین بار عازم تهران شده و محور اصلی گفت‌وگوهای خود با مقامات ایرانی را درخواست بازدید از دو محل جدید قرار داده است، آن‌طور که به‌روز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی گفته‌یکمی از این محل‌ها منطبقه‌ای در نزدیکی شهر شهرضاد اصفهان است و دیگری نقطه‌ای در اطراف تهران؛ که البته بعید نیست این محل دوم همان محل ادعایی در تورقوآباد باشد. از آنجایی که سفرهای مدیران کل آژانس به تهران همیشه با اتفاقات مهمی همراه بوده به‌علاوه اینکه برخی از رسانه‌ها هم در این چندروز گزارش‌هایی درباره مباحث این سفر منتشر کرده‌اند بعید نیست برای سفر فرصتی برای حل و فصل ماجرای اسناد ادعایی درنظر گرفته شده باشد، چالشی که البته حالا در بازدید از دو محل جدید خلاصه شده است. از آنجایی که چندروز پیش محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه در برنامه نگاه یک تأکید کرد که ایران چیزی برای پنهان کردن ندارد و بنای همکاری‌های خود با آژانس را حفظ کرده و تغییر نداده است، می‌توان پیش‌بینی کرد که احتمالاً ایران بنا دارد اجازه بازدید از دو محل یادشده را به بازرسان آژانس بدهد، روایتی که البته تا این لحظه و زمان نگارش این گزارش ازسوی هیچ‌یک از مقامات رسمی تأیید نشده است، اما غرب بعید نیست در راستای توسعه و تداوم همکاری‌های ایران و آژانس این گمانه‌زنی صحت داشته باشد. با فرض صحت این روایت باید چند نکته درباره اعتماد به آژانس را هم اکنون و پیش از هر اتفاق دیگری یادآوری کرد، مخصوصاً در زمانی که این نهاد به‌ظاهر بی‌طرف و البته به‌ظاهر فنی و تخصصی همکاری گسترده‌تری را با آمریکا و رژیم صهیونیستی آغاز کرده و هدف اصلی خود را واکاوی آن چیزی قرار داده که سال‌هاست پرونده آن بسته شده است و قبلاً نیز همین نهاد و مدیرکل وقت درباره آن نظر داده بودند. رجوع به تاریخ همکاری‌های ایران با آژانس نشان می‌دهد که به دفعات و در

ایامی که ایران صادقانه همکاری‌های خود با این نهاد بین‌المللی را گسترش داده و اجازه بازرسی و دسترسی‌های گسترده‌ای به آنها داده، نه تنها سوالات و درخواست‌های مطرح‌شده پایان نیافته که موضوعات جدیدی هم اضافه شده و بدقولی‌ها و بدعهدی‌ها تداوم یافته است. به‌عنوان نمونه روایت‌های منتشرشده در کتاب خاطرات حسن روحانی یعنی «امنیت ملی و دیپلماسی» گواهی می‌دهد که همکاری‌های گسترده ایران با آژانس در ابتدای دهه ۱۳۸۰ چطور با نقض عهده‌های متعدد پاسخ‌گرفت و سال‌ها برای ایران چالش‌آفرین شد، البته هرکسی که پرونده مطالعات ادعایی را مطالعه کرده باشد به‌سادگی درمی‌یابد که چه عزم بزرگی برای بسته نشدن آن طی سال‌ها وجود داشته و تلاش شد ایران از حقوق مسلم خود محروم بمانسد. به‌علاوه اینکه دوری از فعالیت‌های فنی و حقوقی و تکیه رویکردهای سیاسی اکنون بسیار بیشتر از گذشته به‌چشم می‌آید و به‌ویژه در دو ماه منتهی به انتخابات ایالات متحده، چقدر می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کمک‌به‌رقابت‌های درونی آمریکا مورد استفاده قرار گیرد. از این‌رو با توجه به همین دغدغه‌ها هم هست که خیلی‌ها می‌گویند مسئولان دیپلماسی و مدیران سازمان انرژی اتمی نباید مجدداً به آژانس اعتماد کرده و مسیر را باز کنند که انتهایی بر آن نیست و نهایتاً اینکه اگر بنیاست مجوزی برای بازدیدهای جدید صادر شود باید با اخذ تضمین‌های محکم و غیرقابل انکار صورت پذیرد.